

نی لبک



■ تکنیک: رنگ و روغن
روی بوم
■ سال خلق: ۱۳۶۹

«نی لبک» بعد از زمان جنگ خلق شده است؛ تغییر ترکیب‌بندی، استفاده از رنگ‌ها و موضوع را می‌توان نسبت به نقاشی قبل در زمان جنگ بررسی کرد. پیرمرد جنوبی، چفیه‌ای بر سر دارد و در میان شقایق‌های وحشی، نی لبک می‌نوازد. جلوی پای او سیم‌های خاردار که مرز کشورها را از هم جدا می‌کند، فاصله ایجاد کرده است. دنباله چفیه مرد اما تا آن سوی مرز امتداد پیدا کرده است. چلیپا درباره این اثر می‌گوید: «نی لبک همان نی‌زنی است که دارد آندوه خود و افکارش را به وسیله موسیقی و پرستوها بیان می‌کند.»

توبه حر



■ تکنیک: رنگ و روغن
روی بوم
■ سال خلق:

«توبه حر» لحظه‌ای را به نمایش می‌گذارد که حر بن‌ریاحی پس از بازگشت از سپاه دشمن نزد امام حسین (ع) آمده تا توبه کند. در این اثر گویی مخاطب در کنار امام حسین ایستاده و لحظه تسلیم شدن حر به سپاه حق را تماشا می‌کند. تابلو نقاشی «توبه حر» در ابعاد ۱۷۰ در ۱۴۰ سانتی‌متر با تکنیک رنگ و روغن خلق شده و در گنجینه آثار حوزه هنری نگاه‌داری می‌شود.

باغ سوخته



■ تکنیک: رنگ و روغن
روی بوم
■ سال خلق: ۱۳۸۸

این اثر خرداد ۱۳۹۲ در حراج تهران با قیمتی بالاتر از برآورد اولیه فروش رفت؛ «باغ سوخته» در دسته آثار متاخر چلیپا قرار می‌گیرد که هر چند به ظاهر کمتر حال‌وهوای اجتماعی دارد اما در واقع باید گفت حس‌وحالی است که هنرمند به اتفاقات جامعه و پیرامون خود دارد و خستگی و غم‌زدگی او را از محیط پیرامونش به خوبی نشان می‌دهد.



بسته‌های که در اثر عاشورا سال ۱۳۸۵ در قسمت پایین کادر در فضای سفید محو شده است. چلیپا از جمله هنرمندانی است که در دوران انقلاب و جنگ تأثیرات زیادی از فضای حاکم بر جامعه در آثار خود گرفته و به تأیید و ترویج سیاست‌ها، آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی پرداخته است. چلیپا در آثارش نقش زنان و مردان و خانواده‌های مبارز در راه انقلاب را بازگو می‌کند و همواره مفاهیم و آرمان خاص انقلاب را با نوعی بیان نمادین و سمبولیک در قالب رئالیسم و اکسپرسیونیسم تصویر کرده است؛ قالبی که به انتقال مفاهیم و مضامین به طور مشخص کمک می‌کند. این در حالی است که چنین نقاشی، در دهه‌های بعدی کاری خود رویه‌اش را تغییر می‌دهد. محتوای آثارش از دهه اول انقلاب، یعنی مضامین سیاسی به مضامین عرفانی اسلامی تغییر جهت می‌دهد؛ همچنین او شیوه بیانش را متناسب با محتوای جدید آثارش به سمت نوعی سبک انتزاعی معنوی و عرفانی سوق می‌دهد. اگرچه بیان سمبولیک همچنان در آثار دهه سوم او نیز قابل مشاهده است. دیدگاه چلیپا نسبت به ایدئولوژی گذشته در آثارش آن چنان تغییری نکرده است؛ بلکه کمی از بیان ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی به طور مستقیم پرهیز می‌کند و به نوعی از هنر عرفانی اسلامی نزدیک می‌شود که در قالب سبکی که شاعرانه است، آن را بیان می‌کند. او به انتقاد از سیاست‌های حاکم نمی‌پردازد زیرا نمی‌خواهد در مقابل آرمان‌های گذشته خود بایستد چون همچنان به آنها معتقد است. در نتیجه، از بیان سیاسی و اجتماعی در آثارش پرهیز می‌کند و به جای آن، به مفاهیم ریشه‌ای‌تر انقلاب اسلامی، یعنی به زندگی و سیره امامان می‌پردازد. اما خواه‌ناخواه این نوع برخورد از یک هنرمند ایدئولوگ، یعنی دوری از فضای سیاسی نشان‌دهنده نوعی انتقاد به فضای حاکم سیاسی است که گویی آرمان‌های گذشته‌اش آن‌طور که باید در دولت تحقق نیافته است؛ در نتیجه او سکوت و مصلحت‌اندیشی را بهترین شیوه برخورد با فضای سیاسی زمان خود می‌پندارد.

می‌توان از این دست دانست. او دیگر آثار اجتماعی و سیاسی خلق نکرد و آثارش به سمت نوعی عرفان اسلامی سوق پیدا کرد. رنگ‌های غالب آثار دهه سوم انقلاب چلیپا، اغلب رنگ‌های سرد هستند و این نیز به عزلت‌نشینی و گوشه‌نشینی خود چلیپا و انسان‌های درون آثارش بیشتر اشاره دارد. مینا هرنودوست، پژوهشگر هنر معاصر ایران می‌گوید: «شیوه بیان آثار چلیپا در این دهه به صورت غالبی انتزاعی است. اما استفاده از نماد و نشانه‌هایی چون سرو، شمع، کاسه آب، دست، پرچم و حتی استفاده از رنگ، همگی آثارش را همان‌طور که در آثار دهه اول انقلاب او به آن اشاره شد، به نوعی بیان سمبولیک سوق می‌دهد. که اینجا، به جای موضوعات سیاسی و اجتماعی با فضاهای عارفانه اسلامی روبه‌رو هستیم. موضوع آثار چلیپا در دهه سوم انقلاب بیشتر تصویر قسمتی از زندگی امامان است. یک مجموعه از آثارش با عنوان عاشورا است که در سال ۱۳۸۰ کار کرده است.»

این نکات را می‌توان بخوبی در مجموعه آثار این هنرمند در موزه امام علی (ع) مشاهده کرد. این مجموعه با عنوان امام علی (ع)، زندگی آن حضرت را به تصویر می‌کشد. او در تمامی این آثار، تنهایی و عزلت امام (ع) را نشان می‌دهد؛ سرزدن امام به فقرا و کار کردن و راز و نیازش را با خدا و جنگیدنش با دشمن را در فضای شب‌هنگام و تاریک به تصویر کشانده است. این آثار اشاره به قسمتی از زندگی امام علی (ع) دارد که در دوره حاکمیت خلفا بوده است؛ اشاره به عمل نکردن مردم به فرمایش پیامبر اسلام. شاید این آثار گویای تحلیل چلیپا از فضای حاکم در کشور هستند که به خاطر فاصله گرفتن از آرمان‌های انقلابی، نوعی مصلحت‌اندیشی زمان امام علی (ع) را در شرایط حاکم بر دوران خود انتخاب می‌کند. این آثار، تنها آثار رئالیستی این دوره چلیپا هستند، که البته از نظر نوع نگاه به موضوع انسان و انتخاب رنگ با دیگر آثار او در این دهه شباهت بسیاری دارند. بیشتر آثار چلیپا در این دهه بدون عنوان هستند. گویی چلیپا در آثارش نوعی سکوت اختیار کرده است؛ همانند لب‌های

رنگ‌های غالب آثار دهه سوم انقلاب چلیپا، اغلب رنگ‌های سرد هستند و این نیز به عزلت‌نشینی و گوشه‌نشینی خود چلیپا و انسان‌های درون آثارش بیشتر اشاره دارد. مینا هرنودوست، پژوهشگر هنر معاصر ایران می‌گوید: «شیوه بیان آثار چلیپا در این دهه به صورت غالبی انتزاعی است. اما استفاده از نماد و نشانه‌های چون سرو، شمع، کاسه آب، دست، پرچم و حتی استفاده از رنگ، همگی آثارش را همان‌طور که در آثار دهه اول انقلاب او به آن اشاره شد، به نوعی بیان سمبولیک سوق می‌دهد»